

کلمه

تورج نوروزی

آیا همه نامدارانِ فارسی زبان «ترک» بوده اند!

آن مقلد صد دلیل و صد بیان در زبان آرد ندارد هیچ جان

چونک گوینده ندارد جان و فر گفتِ او را کی بود برگ و ثمر

مولانا جلال الدین

آقای فخرالدین الگونر کتابی نوشته است به نام بررسی مقوله هستی در آرای سه متفکر ترک عالم اسلام: ابن سینا، فخرالدین رازی و نصیرالدین طوسی. کتاب از انتشارات وزارت فرهنگ و جهانگردی ترکیه است در ۱۳۶ صفحه به قطع جیبی که در سال ۱۹۸۵ منتشر گردیده است.

نویسنده کتاب فخرالدین الگونر (Fahrettin Olguner) دانشیار دانشگاه، بر آن بوده است تا مقوله «وجود» را در قاموس فلسفی خود از دید سه متفکر ترک! عالم اسلام یعنی ابن سینا، فخرالدین رازی، و نصیرالدین طوسی بررسی کند. طی این بررسی نویسنده اذعان می کند که تفسیر عقلاتی دین و کائنات، توسط ابن سینا وی را متهم به کفرگویی ساخته است و یکی از راههای بررسی این اتهام از طریق نگرش به آثار ابن سینا و شارحان آثار فلسفی او به دست می آید. دیگر این که اهمیت کار این متفکران در ارائه شیوه صحیح

فلسفی فکر کردن است که هم در چهارچوب دینی می تواند قرار گیرد و هم در غیر از آن. در این راستا، آقای الگونر از جنبه های تطبیقی به برشمردن نکات عمده تفاسیر رازی و طوسی بر اشارات و تنبیهات ابن سینا اکتفا کرده و در پایان نوشته خود به این نتیجه می رسد که تفسیر رازی از دیدی مستقل تر و انتقادی تر نگاشته شده است که البته موضوع قابل تأمل جدیدی نیست. ناگفته نماند که اصولاً خواننده این رساله متحیر می ماند که شأن تالیف چنین مقولانی در سال ۱۹۸۵ میلادی چگونه توجیه پذیر است. متهمی اگر به تأکید نویسنده در مقدمه در مورد اشکال ترجمه متون فلسفی اسلامی به زبان ترکی توجه شود تا حدودی از شدت این تحیر کاسته خواهد شد. اما در یکی از پانویسهای صفحه ۱۳ رساله مزبور، تحیر خواننده دوباره سیری صعودی پیدا می کند زیرا در پانویس شماره ۱۱، نویسنده صریحاً اعلام می دارد که نصیرالدین طوسی نیز مانند فخرالدین رازی و ابن سینا ترک می باشد. استدلال جناب الگونر نه تنها یکسویه و ضعیف است بلکه از لحاظی موجبات تحریک قریحه طنز پردازان خواننده را فراهم می آورد. به نظر او اثبات ترک بودن این فیلسوفان با مراجعه به دوائر «جهانی» تأمین می شود: یکی کتاب پروفیسور حمید دیلگان تحت عنوان نصیرالدین طوسی، دانشمند بزرگ ترک،^۱ و دیگری نوشته آقای ل. کارپینسکی از اساتید رشته ریاضیات دانشگاه میشیگان به نام ریاضیات مشرق زمین.^۲

البته تلخی این استدلال جاهلانه را می توان با حلاوت طنز مولانا جلال الدین زدود:

آن یکی پرسید اشتر را که هی از کجا می آیی ای اقبال پی

گفت از حمام گرم کوی تو گفت خود پیدا است از زانوی تو

نشر آثاری مانند کتابهای آقایان دیلگان و الگونر را نباید امری استثنایی و مربوط به سلیقه برخی از عالمان کشور ترکیه دانست، اینان در حقیقت بلندگوهای سیاست بان تورکیسم دولت جمهوری ترکیه در جهان هستند. دلیل ما آن است که رساله یا کتاب فخرالدین الگونر را وزارت فرهنگ و جهانگردی دولت ترکیه چاپ کرده و در اختیار جهانگردان قرار داده است نه یک ناشر معمولی.

شاید اشکال کار کسانی مانند دیلگان و الگونر در این است که سوای سختگیری و تعصبهای به ظاهر ملی گرایانه، عالماً و عامداً در پی اختراع متون پایه یا کلاسیک برای فرهنگ خویشند، حتی اگر نحوه استدلال تاریخی و فکری شان این چنین «سخت بی تمکین» بنماید.

پانویسها:

- ۱- Fahrettin Olguner. ÜÇ Türk-Islam Mütefekkeri Ibn Sina. Fahreddin Râzî, Nasireddin Tûsî Düş ün cesinde Varoluş: Kültür ve Turizän Bakanliğı, Ankara, 1985
- ۲- Hamit Dilgan. Büyük Türk Âlimi Nasireddin Tusi. (I. T. Üniversitesi, Mimarlık Fakültesi, Istanbul, 1968.

۳- L. Karpinski, *The Mathematics of the Orient*. 1934.

Louis Charles Karpinski متوفی به سال ۱۹۵۶ صاحب تألیفاتی چند در باب تاریخ علوم و ریاضی می باشد. البته نگارنده در هیچ فهرستی چنین کتابی از کارینسکی نیافت. احتمالاً این عنوان برگرفته از یکی از کتابهای اوست که به ترکی ترجمه شده است.

جلال متینی

نیاکانِ هموطنان آذربایجانی ما چه کسانی هستند؟

اوغوزها (= ترکمانان) اجداد ترک زبانان آذربایجانند.

دکتر جواد هیئت

چند تن از خوانندگان ایران شناسی، پس از مطالعه سرمقاله شماره پیش مجله، زیر عنوان «پس بد مطلق نباشد در جهان...» تلفنی پرسشهایی را با ما در میان گذاشته اند بدین شرح: ۱- آیا به راستی دکتر جواد هیئت در کتاب خود نوشته است «زبان فارسی از خارج از ایران یعنی از آن طرف جیحون به وسیله ترکان غزنوی و سلجوقی به ایران آمده، و با قدرت سلاطین ترک، زبان رسمی و ادب ایران و آسیای صغیر و هندوستان گردیده و بعداً هم با همکاری شعرای کلاسیک ترک زبان به این پایه ادبی رسیده است؟» ۲- نام مورخانی که نوشته اند سلطان محمود غزنوی «چهل و پنج هزار معلم برای یاد دادن فارسی به مناطق ایران گسیل داشت» چیست؟ ۳- اگر مولانا جلال الدین و نظامی گنجوی و خاقانی شروانی و قطران تبریزی ترک زبان بوده اند، چرا آثاری به ترکی از ایشان باقی نمانده است، و چرا تمام آثارشان به زبان فارسی است؟ ۴- اصولاً ترکان غزنوی و ترکمانان به چه مقصودی زبان فارسی را از شمال جیحون به ایران آوردند؟ ۵- پیش از این اقدام ترکان غزنوی و ترکمانان سلجوقی، ساکنان ایران به چه زبانی سخن می گفتند؟ نام آن زبان چیست و چه آثاری از آن موجود است؟ ۶- محمود غزنوی لابد این معلمان زبان فارسی را همراه خود از شمال جیحون به ایران آورده بوده است، پس شمال جیحون که حدود